

علاوه بر شمشه‌ها و ستاره‌ها، نمادهای دیگری هم هستند که نشانه خورشید و نور می‌باشند؛ مثل نقشه شیر که بر فراز ایوان شرقی صحن انقلاب (ایوان نقاره خانه) نشسته است. در فرهنگ نمادشناسی، شیر که سلطان حیوانات محسوب می‌شود، نماد خورشید درخشان و مظهر قدرت و عقل و درایت و عدالت است. شاید به همان دلایل به مولای متقیان علی (علیه السلام) «اسدالله» (شیر خدا) لقب داده اند.

طاق‌ها نیز مانند گنبد‌ها علاوه بر این که یک سازه معماری جهت اتصال پایه‌ها و تسهیل احداث سقف محسوب می‌شود، پیامی عرفانی نیز در خود دارد. طاقی که بر فراز دو ستون برافراشته شده، نماد پیروزی روح تعالی جو، بر ثقل مادی جسم است؛ زیرا بازوی هر طاق از بستر افقی برخاسته، به بالا متمایل شده و تا آن‌جا اوج می‌گیرد که در بالاترین نقطه به بازوی دیگر ملحق می‌شود و تماماً به کمال میل می‌کنند. طاق برای ایوان و درگاهی، نقطه شروع و ارتباط عالمی به عالم دیگر است. بی‌جهت نیست که بر گرد تمامی طاق‌ها و ورودی حرم مطهر، نگاره‌ها و کتیبه‌هایی در ارتباط با کارکرد فضای درونی نقش بسته است.

پایه‌های هر طاق و لچکی‌ها معمولاً با اسلیمی زینت یافته‌اند. از منظر عرفانی، اسلیمی نماد رویش مکرر است که نه آغاز دارد و نه پایان، سرشار از سبزی و طراوت که به سوی نامحدود و کمال پیش می‌رود و نگاه بیننده را با خود به بالا می‌کشاند. انتهای ایوان‌ها را مقرنس‌ها پر کرده‌اند. مقرنس‌ها سطوح ناهمگون با فضاهای پر و خالی هستند که معمولاً زاویه‌ها و خط‌های اتصال سقف به دیوار را در نمای داخلی پر می‌کنند و منظری چشم‌نواز و مطلوب را موجب می‌شوند؛ اما علاوه بر این کارکرد، جنبه نمادین نیز دارند. سطوح برجسته و فرو رفته مقرنس‌ها بیش از هر چیز آویزه‌های حاصل از رسوب املاح محلول در آب بر دیواره و سقف غارها را تداعی می‌کند و چنین به نظر می‌رسد که هنرمند با اندیشه عارفانه خود، در نظر داشته تجسمی از غار ارایه دهد زیرا که غار جایگاه بسیار والایی در تاریخ ادیان و فرهنگ بشری دارد. در باور پیروان آئین مهر، غار، زادگاه ایزدمهر است و به عقیده پیروان عیسی (علیه السلام) نیز آن پیامبر در غار، پا به عرصه وجود گذاشته و پیامبر اسلام نیز در غار به پیامبری مبعوث شده است. بنابراین اگر مقرنس‌ها نماد غار باشند، تکرار آن‌ها در بسیاری از ایوان‌ها و فضاهای معماری مجموعه حرم مطهر، از قداست خاصی برخوردار است و فلسفه وجودی آن‌ها بعد از جنبه تزئینی، یادآور غار حرا و واقعه بزرگ بعثت است.

نقوش انسانی و جانوری در مجموعه حرم مطهر قابل توجه و تأمل است. بی‌شک مراد هنرمند از تصویر آن‌ها صرفاً جنبه تزئینی نبوده و جایگاه اسطوره‌ای و عرفانی آن‌ها نیز مورد توجه بوده است. علاوه بر نقش شیر، نقش اژدها،

بی‌تردید معماران و هنرمندان، در ساخت و پرداخت مجموعه معماری حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)، هدف مهم قداست و زیبایی را در نظر داشته، فضاها را به گونه‌ای آراسته اند که زائر بتواند با بصیرت، حظ جان برد.

مجموعه حاضر، تحفه در هم تنیده‌ای از ماده و معناست که حاصل آن تلفیق، قداست و مردم‌واری آن را موجب شده است. تأمل در جزء جزء عناصر تشکیل دهنده حرم مطهر، این واقعیت را نشان خواهد داد که معمار و هنرمند نیات و پیام‌های خود را در همه جا با سازه‌ها یا علائم و نشانه‌ها به بینندگان رسانده است.

در طول صدها و هزاران سال، جامعه بشری در پی تجربیات و تداعی مفاهیم، حجم‌ها، خط‌ها، رنگ‌ها و نقش‌ها را نشانه و سمبل‌هایی فرض می‌کرد که هنرمندان ایرانی با بکارگیری آن نشانه‌ها به خوبی توانسته‌اند کارکرد و منظری عبادی و قدسی و در عین حال هنرمندانه و زیبا برای حرم مطهر فراهم نمایند.

حرم مطهر مجموعه‌ای از فضاهای سرپوشیده، صحن‌ها، رواق‌ها، ایوان‌ها و مناره‌ها است که با رعایت اندازه‌های مطلوب و متناسب ساخته شده‌اند و نقش‌ها و کتیبه‌ها و نشانه‌ها نیز معنویت آن فضاها را فراهم آورده‌اند.

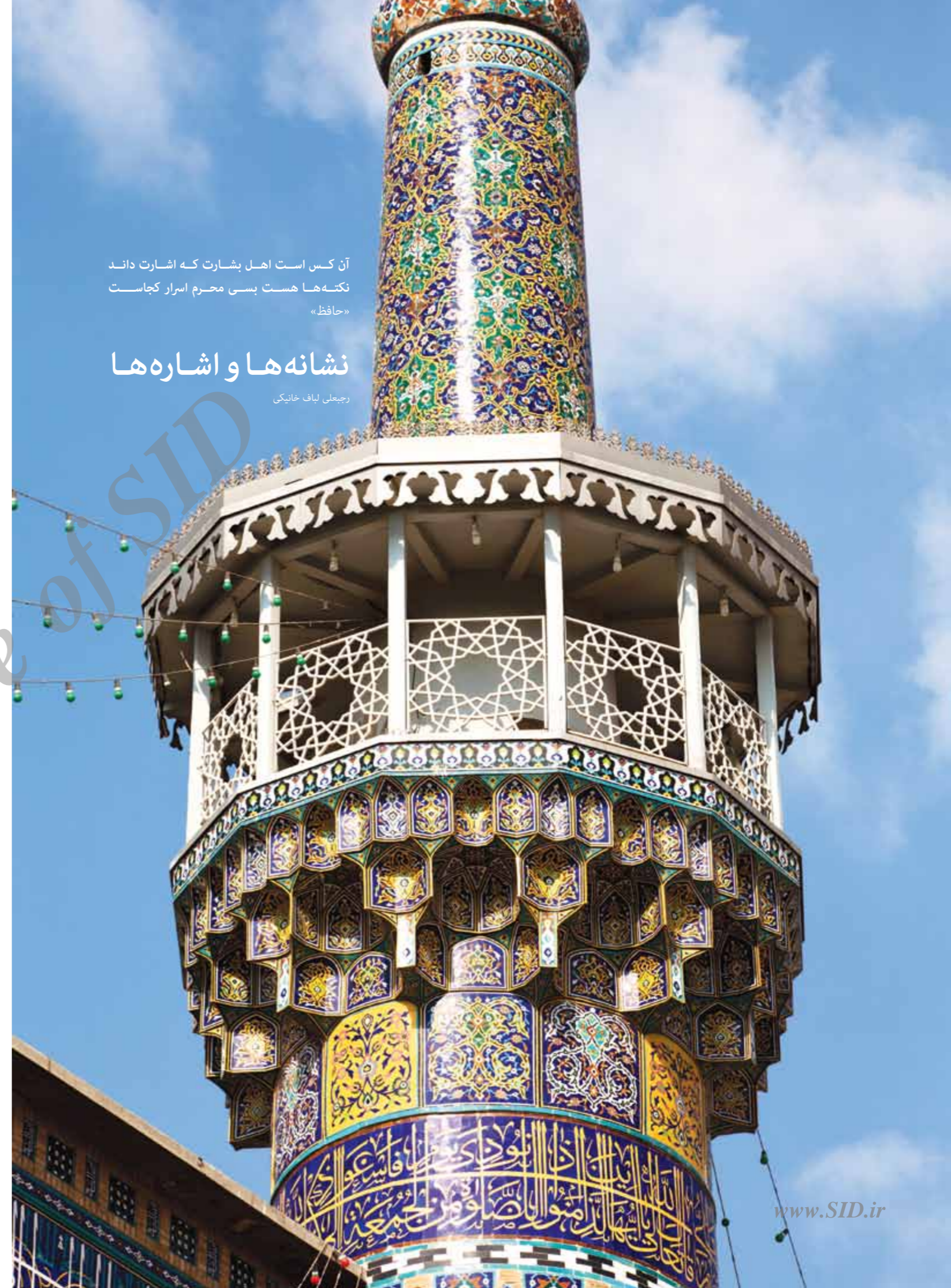
«روضه منوره» هسته مرکزی و کهن‌ترین بخش مجموعه معماری حرم مطهر است. این فضا به شیوه معماری کهن ایرانی با نقشه مربع است که بر روی آن نقشه، بنایی چهارطاقی با گنبدی رفیع ساخته شده است. گنبد بر فراز چهار چرخ که در واقع چهار گوشه را تشکیل داده، استوار شده است. این امر در این فضا و دیگر فضاهای مشابه عادی به نظر می‌رسد اما آن ترکیب از دیدگاه عرفانی مفهوم دیگری هم دارد:

فضای محاط شده در چهارستون به مثابه دنیا است و گنبدی که بر فراز آن قرار گرفته، نماد آسمان است. در باور چینیان قدیم هم، زمین مربع و آسمان گرد بود. پس درون روضه، خود نماد یک جهان است که شمشه و کاربندی‌ها و آئینه‌کاری‌ها و کاشی‌کاری ستاره‌ای شکل که آسمان (سقف) و دیوارها را زینت داده‌اند نیز نماد سرچشمه‌های نور در آن دنیای کوچک می‌باشند و به تعبیر قرآن کریم «خداوند نور آسمان‌ها و زمین است». شاید هنرمندان با عنایت به همان تعبیر کوشیده‌اند خداوند را با تجسم نور در فضاهای گنبد دار به شمشه ختم می‌شود و این شکل بر تیزه سقف نیم گنبد ایوان‌ها نیز مشاهده می‌شود. زیباترین شمشه‌ها بر آسمانه گنبد اللوردی‌خان و پوشش بیشتر انتهای ایوان مقصوره مسجد گوهرشاد نقش بسته و انتهای پوشش بیشتر ایوان‌ها هم به شمشه مزین شده که زیباترین آن‌ها بر انتهای پوشش ایوان عباسی در صحن انقلاب و ایوان نادری در صحن آزادی واقع است. پرتوهای آن شمشه‌ها در اغلب کاربندی در همه جا بر پاکار گنبد نشسته و در برخورد با یکدیگر در مسیر حرکتشان ستاره‌هایی را نیز شکل داده‌اند.

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند
نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست
«حافظ»

نشانه‌ها و اشاره‌ها

رجبعلی لباف خانیکی





مار، طاوس، حواصیل و پرندگان دیگر در برخی نقاط ترسیم شده‌اند. نقوش انسانی منحصر به فرشتگانی است که علی‌رغم پرهیز هنرمندان مسلمان از تصویر صورت انسان، بر دیوار نقش بسته‌اند و مسلماً رسالت آن‌ها یادآوری بار فرهنگی - عرفانی آن‌هاست.

فرشتگان از گذشته‌های دور در باور انسان‌ها به‌عنوان واسطه خداوند و جهان هستی قلمداد می‌شدند و در قالب پیام‌آوران، نگهبانان، ناظم ستارگان، مجری قوانین الهی و حامی برگزیدگان و مقربان، ایفای نقش می‌کردند، برخی هم فرشتگان را نماد ارتباط خداوند با مخلوقات می‌دانند.

از جمله نقوش‌های جانوری در تزئینات حرم مطهر، نقش دو اژدهاست که در حاصل بلعیدن دو اژدهای دیگر ترسیم شده‌اند. اژدها در فرهنگ مشرق زمین مفاهیم گسترده‌ای داشته است. آن حیوان افسانه‌ای در باور پیشینیان، نگهبانان گنج‌های پنهان و آن گنج‌ها جاودانگی بوده است. نقش دو اژدها در مقابل یکدیگر، مفهوم خنثی‌کردن گرایش‌های متضاد را به ذهن متبادر می‌کرده است. از دیدگاه دیگر، اژدها نماد آسمان و ابر بوده و باران را به زمینیان ارزانی می‌داشته است. در باور چینی‌ها، اژدها جاودانگی تدارک می‌بیند و در نهایت، اژدها قدرت آسمانی، خلاق، ناظم امور و نماد امپراطوری است.

نقش مار، نماد دیگر در میان تزئینات حرم مطهر است. این جانور به دلیل شکل ظاهری و خصوصیتی که دارد از قدیم منشأ افسانه‌ها و اسطوره‌های فراوان بوده است. در باور پیشینیان، مار موجودی مافوق انسان و طبیعت بوده که از ارواح و جان‌های نیاکان مدد می‌گرفته و توانایی پوست انداختن مار این پندار را قوت می‌بخشیده که آن حیوان می‌تواند دائماً تجدید حیات کند و به همین دلیل سمبل و نماد جاودانگی و نامیرایی پنداشته می‌شد. شاید با توجه به این باور در عربی به مار «حیه» می‌گویند که به «حیات» به معنی «زندگی» نزدیک است. در باور ایرانیان، مار مایه باروری زمین و نگهبان گنج‌های پنهان بوده و زهرمار نیز خاصیت درمانی داشته است.

در نزد اسطوره‌شناسان طاوس نماد خورشید و کیهان پنداشته شده و در یک روایت صوفیانه: «خداوند ذات را به شکل طاوس فرستاد و در آئینه ماهیت الهی صورت خود را به او نشان داد». این پرنده در برخی فرهنگ‌ها نماد زیبایی و قدرت و دگرذیسی نیز پنداشته شده است. در سرزمین‌های اسلامی خاورمیانه، طاوس در دو طرف درخت زندگی تصویر می‌شود که نماد روح فساد انگیز و دوگانه بودن روان آدمی است. بر دو سوی ورودی صحن آزادی نقش دو طاوس مشاهده می‌شود.

نقش قرقاول نیز در چند مورد تکرار شده است. قرقاول به لحاظ آواز و حرکات موزونش نماد هماهنگی کیهانی و ناظم جهان است. در میان نقش پرندگان، تصویر حواصیل نیز دیده می‌شود. حواصیل کنایه از کنجکاو بوده و در

«حافظ»

مار، طاوس، حواصیل و پرندگان دیگر در برخی نقاط ترسیم شده‌اند. نقوش انسانی منحصر به فرشتگانی است که علی‌رغم پرهیز هنرمندان مسلمان از تصویر صورت انسان، بر دیوار نقش بسته‌اند و مسلماً رسالت آن‌ها یادآوری بار فرهنگی - عرفانی آن‌هاست.

فرشتگان از گذشته‌های دور در باور انسان‌ها به‌عنوان واسطه خداوند و جهان هستی قلمداد می‌شدند و در قالب پیام‌آوران، نگهبانان، ناظم ستارگان، مجری قوانین الهی و حامی برگزیدگان و مقربان، ایفای نقش می‌کردند، برخی هم فرشتگان را نماد ارتباط خداوند با مخلوقات می‌دانند.

از جمله نقوش‌های جانوری در تزئینات حرم مطهر، نقش دو اژدهاست که در حاصل بلعیدن دو اژدهای دیگر ترسیم شده‌اند. اژدها در فرهنگ مشرق زمین مفاهیم گسترده‌ای داشته است. آن حیوان افسانه‌ای در باور پیشینیان، نگهبانان گنج‌های پنهان و آن گنج‌ها جاودانگی بوده است. نقش دو اژدها در مقابل یکدیگر، مفهوم خنثی‌کردن گرایش‌های متضاد را به ذهن متبادر می‌کرده است. از دیدگاه دیگر، اژدها نماد آسمان و ابر بوده و باران را به زمینیان ارزانی می‌داشته است. در باور چینی‌ها، اژدها جاودانگی تدارک می‌بیند و در نهایت، اژدها قدرت آسمانی، خلاق، ناظم امور و نماد امپراطوری است.

نقش مار، نماد دیگر در میان تزئینات حرم مطهر است. این جانور به دلیل شکل ظاهری و خصوصیتی که دارد از قدیم منشأ افسانه‌ها و اسطوره‌های فراوان بوده است. در باور پیشینیان، مار موجودی مافوق انسان و طبیعت بوده که از ارواح و جان‌های نیاکان مدد می‌گرفته و توانایی پوست انداختن مار این پندار را قوت می‌بخشیده که آن حیوان می‌تواند دائماً تجدید حیات کند و به همین دلیل سمبل و نماد جاودانگی و نامیرایی پنداشته می‌شد. شاید با توجه به این باور در عربی به مار «حیه» می‌گویند که به «حیات» به معنی «زندگی» نزدیک است. در باور ایرانیان، مار مایه باروری زمین و نگهبان گنج‌های پنهان بوده و زهرمار نیز خاصیت درمانی داشته است.

در نزد اسطوره‌شناسان طاوس نماد خورشید و کیهان پنداشته شده و در یک روایت صوفیانه: «خداوند ذات را به شکل طاوس فرستاد و در آئینه ماهیت الهی صورت خود را به او نشان داد». این پرنده در برخی فرهنگ‌ها نماد زیبایی و قدرت و دگرذیسی نیز پنداشته شده است. در سرزمین‌های اسلامی خاورمیانه، طاوس در دو طرف درخت زندگی تصویر می‌شود که نماد روح فساد انگیز و دوگانه بودن روان آدمی است. بر دو سوی ورودی صحن آزادی نقش دو طاوس مشاهده می‌شود.

نقش قرقاول نیز در چند مورد تکرار شده است. قرقاول به لحاظ آواز و حرکات موزونش نماد هماهنگی کیهانی و ناظم جهان است. در میان نقش پرندگان، تصویر حواصیل نیز دیده می‌شود. حواصیل کنایه از کنجکاو بوده و در